

## هندوستان: چهارمین غول اقتصادی جهان،

### خودکشی صدها هزار دهقان و موقعیت زنان

می گویند هندوستان چهارمین غول اقتصادی جهان است و اینکه هند با رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد، به یک قدرت اقتصادی تبدیل شده است. بسیاری این "موفقیت شگفت انگیز" را مدیون رفرفرم های مانموهان سینگ وزیر دارایی وقت هند در اوایل سالهای ۹۰ می دانند (وی سپس نخست وزیر هند شد) که سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را به مرحله اجرا گذاشت و بسیاری از موانع در مقابل سرمایه گذاری های خارجی در هند را از میان برداشت. سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که به کشورهای تحت سلطه تحمیل می شد و همچنان می شود، پایه گذار جهانی شدن سرمایه در سطح و کیفیتی به مراتب گسترده تر از گذشته بود. اما مهم است که بدانیم این چهارمین غول اقتصادی جهان، این رشد اقتصادی ۸ درصدی و این برداشتن موانع بر سر سرمایه گذاری های خارجی برای توده های مردم هند و بخصوص دهقانان آن به چه معنی است؟

در شرایط کنونی "درآمد سرانه هند ۷۲۰ دالر است. ۳۴ درصد جمعیت کمتر از یک دالر در روز در آمد دارند و حدود ۸۰ درصد مردم با کمتر از دو دالر در روز زندگی می کنند. بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می کنند." (ویکی پدیا - اقتصاد هند). اما هولناکترین خیر مربوط به خودکشی دهقانان هند است که از اواسط سالهای ۹۰ به سطح تکان دهنده ای رسید. کشاورزان بخصوص در تعدادی از ایالت های هند، به ویژه در جنوب و غرب، به دلیل کاهش قیمت محصولات تولیدی، افزایش هزینه ها و افزایش قرضه ها به صورت وسیع و گسترده ای در معرض بحران زراعتی قرار گرفتند. این امر باعث شده تا بسیاری از آنها دست به خودکشی بزنند. فاجعه ای که همچنان ادامه دارد.

طبق آمار رسمی دولت هند بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ بیش از سیصد هزار دهقان بصورت تکی و یا در برخی موارد بصورت گروهی خودکشی کرده اند. به اعتقاد بسیاری از آگاهان این رقم بسیار پایین تر از رقم واقعی است. روزنامه "تایمز هند"، برآورد می کند که تنها در ایالت "ماهاراشترا"، هفت دهقان روزانه خود را می کشند.

بیشترین خودکشی ها توسط دهقان های مرد انجام می شود و این زمانبست که پس از به دست نیامدن مکرر محصول زراعتی و چالش های داخلی، دهقانان نه تنها قادر نمی شوند حداقل معاش خود و خانواده را تهیه کنند بلکه تا خرخره به زیر قرض شرکت های مالی کشاورزی، شرکت های انحصاری فروش سم های گیاهی و فروش تخم بذر های عقیم شده و یا نزول خواران محلی می روند و راه چاره ای بجز خودکشی را در مقابل خود نمی بینند. پدیده خودکشی دهقانان هند از زمانی بخصوص اوج گرفت که شرایط ناشی از جهانی شدن اقتصاد بیش از پیش روشن شد. تاثیری را که این جهانی شدن بر زندگی میلیونها دهقان در جهان گذارد.

طبق گزارش اداره ملی جرایم (هندوستان) در سال ۲۰۱۶، ورشکستگی، فقر، مشکلات خانوادگی و مسائل مربوط به ازدواج یکی از دلایل عمده خودکشی دهقانان در هند بوده است.

از سوی دیگر، برخی از طرفداران سرمایه داری و بخصوص نئو لیبرالها تلاش می کنند که آمار خودکشی ها را بی ارتباط با موقعیت و مشکلات دهقانان و یا هجوم سرمایه گذاری های بزرگ خارجی و داخلی بخصوص در عرصه کشاورزی و خلاصه جهانی شدن، ارزیابی کنند. یا حداقل نقش آنها بسیار ناچیز جلوه دهند. مثلاً گفته می شود که تنها حدود یک پنجم خودکشی ها مربوط به موقعیت و مشکلات مربوط به ورشکستگی و عدم محصول است. در حالیکه پدیده خودکشی دهقانان در این ابعاد هولناک از اواسط دهه ۹۰ جهش کرد که مقارن است با اولین نتایج رفرفرم های اقتصادی که به نفع سرمایه جهانی و در خدمت گلوبالیزاسیون صورت گرفت.

بحران زراعتی و خودکشی دهقانان باعث شده تا اعتراضات گسترده ای در دهلی نو در اواخر ماه نوامبر راه اندازی شود. بیش از ۱۰۰ هزار دهقان به پایتخت رفتند تا اعتراض خود را بیان کنند.

برخی از دهقان های زن در اعتراض به این وضعیت دستان خود را بالا گرفته و خواستار برقراری عدالت شده اند. با توجه به جامعه مرد سالار و پست شمردن زنان، خودکشی مردان باعث تحمیل فشارهای بیشتر بر زنان میشود. زنها با از دست دادن شوهران خود، زمین و وسایل کار و خانه وکاشانه ایشان را از دست داده و محکوم به نابودی می شوند. مطابق جامعه مذهبی هند که هنوز در برخی مناطق احتمالاً اجرا می شود، زن بیوه باید همراه شوهرش سوزانده شود و یا به عبارتی حق زندگی کردن از او گرفته شود.

بهاگات ۲۹ ساله یک زن دهقان در ناحیه واردها در ایالت غربی "ماهاراشترا" در هند است. آنها هفت ماه پیش ازدواج کرده بودند و بهاگات باردار بود. بهاگات گفت: «من گیج شده بودم. نمی دانستم که در اطرافم چه اتفاقی می افتد».

او به خانه پدر و مادرش رفت؛ جایی که چند سال پیش، برادر دهقانش نیز بخاطر ثمر ندادن حاصلاتش با مصرف نفت سفید به زندگی خود پایان داده بود.

به زودی پس از تولد فرزندش، خانواده شوهرش همه روابط خود را با بهاگات قطع کرد. او همچنین تمام زمین های زراعتی را که مشترکاً از آن استفاده می کردند و همچنان خانه ای که در آن زندگی کرده بودند، از دست داد.

قصه های زنانی مانند بهاگات در زمینه بحران زراعتی هند به عنوان یک مسئله جانبی در نظر گرفته شده است. فعالان می گویند در اعتراض های مرتبط به بحران زراعتی، به ندرت به دشواری های زنان زراعت پیشه پرداخته شده است. یکی از بنیانگذاران گروه "سواراجیا میترا" در منطقه "ماهاراشترا" که یکی از بالاترین میزان خودکشی دهقانان در این کشور را دارد، می گوید: «۸۰ درصد کار در مزرعه توسط زنان انجام می شود و در عین حال، دولت هند این زنان را به عنوان دهقان به رسمیت نمی شناسد».

دو هفته پیش، بهاگات و یک گروه ۸۰ نفری از دهقانان زن به شهر بمبئی پایتخت ایالت "ماهاراشترا" رفتند و اعتراضشان را در "میدان آزاد" مطرح کردند. زنان در جریان تظاهرات خواستار رویکرد حساس نسبت به مسئله جنسیت و ایجاد شبکه امن تر اجتماعی شدند. اما مهمتر از همه، آنها خواستار به رسمیت شناخته شدن موجودیتشان از سوی دولت شدند. گروهی از سازمان های غیر دولتی، فعالان و محققان موسوم به "ماکام" در مورد ۵۰۵ خانواده زراعتی که یکی از اعضای مردشان خودکشی کرده است، تحقیق کرده اند.

بر اساس نتایج به دست آمده، دولت و بخش وسیع جامعه، زنان دهقان را نادیده گرفته اند. یکی از اعضای "ماکام" به دوپچه وله گفت: "مقام ها تنها پس از خودکشی شوهر یک زن دهقان با او صحبت می کنند. آنهم تنها به خاطر تائید خودکشی". او همچنان به دیوان سالاری دولتی در رابطه با تحقیقات موارد خودکشی مرتبط با بحران زراعتی اشاره می کند. تنها ۳۵ درصد زنان مصاحبه شده برای این گزارش اظهار داشتند که پس از مرگ شوهرانشان توانسته اند حق شان را به دست بیاورند و بقیه مجبور شده اند تا جایگزین پیدا کنند.

اکثر زنان مزرعه دار باید به مبارزه پردازند، حتی برای دسترسی به اموال شوهرانشان. به گفته همان عضو ماکام دسترسی به زمین های زراعتی حیاتی است زیرا این تنها منبع معیشت برای اکثر این زنان می باشد. او تاکید می کند که این زنان بدون داشتن مزرعه قادر نخواهند بود تا غذای مورد نیازشان را فراهم کنند.

به عنوان مثال، ویجای شری بهاگات مجبور است به عنوان یک کارگر روزمزد در مزارع دیگران کار کند. او روزانه تنها حدود دو دالر درآمد دارد. با این حال، در یک ماه گذشته، او هیچ کاری نکرده است؛ زیرا در روستای شان آب کافی برای کاشت محصول زمستانی وجود ندارد.

حتی اگر زمینه های کاری وجود داشته باشد، دیدگاه های زن ستیزانه باعث می گردد تا از دسترسی آنان به کار جلوگیری شود.

سونیتا دهاج، زن بیوه کشاورز می گوید که نمی تواند در برنامه های اشتغال زایی که از طرف دولت تمویل می شود، سهم بگیرد چون به گفته او مردان قریه به زنی بیوه اجازه نمی دهند که کار کند. سونیتا معتقد است که این مسئله در باورهای سنتی ریشه دارد. اما زنان خسته از بی توجهی، مانند بهاگات در حال حاضر به طور فزاینده ای صدایشان را بلند می کنند. این زنان یکی پی دیگر در جریان اعتراضاتشان مشکلات خود را فریاد زده اند.

یک زن درباره اینکه او همچنان از سوی مقامات دولتی محلی برای دسترسی به برنامه های رفاه دولتی مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود، صحبت کرد.

دیگری از زمانی یاد کرد که حتی مجبور شده بود در برابر خانواده اش بجنگد و همچنان از مورد دیگری که او از جایش برخاسته و به نخست وزیر ایالتش مشکلاتش را بیان کرده است.

برای بهاگات اعتراض سه روزه در بمبئی به قیمت عاید سه روزه اش تمام شد، اما او می گوید زمانی که سازمان دهندگان از او خواستند تا در تظاهرات شرکت کند، بی درنگ پذیرفت. وی اظهار می دارد: «من گفتم، اگر ما به آنجا می رویم تا برای به دست آوردن حقوقمان مبارزه کنیم، من می آیم.»

در مذاهب حاکم بر این کشور (هندو، اسلام، بودایی، مسیحی و سیک) زن تحت تحقیر و توهین مضاعف قرار دارد و زن بحیث یک موجود پست و بی اهمیت تلقی می شود. دولت مردسالار نیز موجودیت اش را در حفظ خرافات مذهبی می داند و برای تحکیم سلطه اش بر شدت تحقیر زنان می افزاید. هند دارای یکی از بالاترین آمارهای تجاوز جنسی در جهان است. بطوریکه در هر ساعت سه زن مورد تجاوز قرار می گیرد. بعضی ازین قربانیان مورد تجاوز گروهی قرار می گیرند و بعضی از آن ها بعد از تجاوز به آتش کشیده می شوند. با این حال دولت ضد مردمی هند کوچکترین اقدامی را برای تغییر این شرایط انجام نداده است. در عوض افتخار دولت مردان هند به داشتن بمب اتم و اقتصاد بالای بدنامی است که برگوشت و پوست مردمان این کشور بنا شده است. خودکشی های گروهی و خودکشی در مقیاس ده هزار هر ساله و فلاکتی که بر سر زنان و خانواده های آنها می آید، این است سهم دهقانان و اقشار زحمتکش از نتایج رشد ۸ درصدی اقتصاد و بدست آوردن مقام چهارمین "غول اقتصادی جهان". واقعیت نشان می دهد که رشد اقتصادی و پیشرفت سرمایه تائیری واقعی در زندگی توده های مردم ندارد بلکه در چارچوب چنین مناسباتی تنها این اختلاف طبقاتی را که بیشتر و بیشتر می شود و ستم بر زنان شدت بیشتری می گیرد.

پناهجویان و مهاجرین برای جهانی بدون مرز «افغانستان - ایران»